

کوروش محمدی می گوید: جامعه ایران در مقابل آمار، بررسی و مطالعات این حوزه خیلی مقاوم و نظام تعلیم و تربیت مورد تاکید آموزش و پرورش ما بسیار ناکارآمد است.

رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران خبر داد؛



به گزارش اسپادانا خبر، کوروش محمدی (رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران و مشاور رئیس سازمان بهرستی کشور) در خصوص میزان و علت خشونت در جامعه ایرانی و آسیب شناسی آن گفت: خشونت، هیجان مدیریت نشده و در واقع طغیان احساسات منفی فرد است. این نوع خشونت زمانی اتفاق می افتد که فرد با مجموعه ای از بن بست ها در زندگی خود مواجه شده و میزان استرس های وارده بر فرد از آستانه تحمل وی بیشتر می شود که در این صورت وجود کمترین عامل تحریکی می تواند، او را به این کار وادار کند. در واقع ظرفیت روانی فرد مدت ها قبل از بروز خشونت با این شدت در اثر بروز استرس های مختلف و ناکامی ها در فرد پر شده تا جایی که توان مواجهه و پذیرش مساله پیش پا افتاده ای مثل جریمه را ندارد. محمدی خاطرنشان کرد: خشونت زمانی رخ می دهد که فرد به یک آستانه بسیار پائین از تحمل رسیده و در مواجهه با فشاری مثل عوامل محیطی و انواع خشونت هایی که در جامعه وجود دارد از فرد صادر می شود. در جامعه ما در عصر حاضر عمدتاً دلایل شکل گیری زمینه های خشونت علاوه بر اختلالات فردی، مجموعه ای از ناکامی های کوچک و بزرگ حاصل دوندگی های روزمره و تلاش های بی وقفه برای امرار معاش خانواده و حصول شرایط رفاهی و... را در بر می گیرد. وقتی ظرفیت اصلی و توانایی فرد در مقابله با بحران و چالش های پیش رو تکمیل می شود، دیگر امکان پذیرش استرس و فشار دیگری برای او وجود ندارد و همانند آب داخل یک کتری که دمای آن به نقطه جوش رسیده، با کمترین عامل سطحی یا فشار بیرونی قلیان می کند. او افزود: در زمینه تولید خشم در جامعه ما عوامل تربیتی نیز تاثیر گذارند، مسایلی از قبیل ارتباط ناموثر میان افراد خانواده، وجود تبعیض یا روش های اشتباه تربیتی که خانواده ها استفاده می کنند و نیز عواملی همچون فقدان یک یا هر دو والدین، اعتیاد در خانواده، مشاجرات لفظی و اختلافات بین والدین و... زمینه های بروز خشم هستند. در عین حال کاهش نشاط و فضای نشاط انگیز به علت گرایش به زندگی شهری، دوندگی های صبح تا شب، کاهش رفاه عمومی نیز در کنار دیگر عوامل زمینه های بروز خشم را در فرد تسهیل می کنند. رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی کشور با اشاره به نقش انکارناپذیر زندگی گذشته افراد در بروز خشم گفت: کسانی که با خشونت به خود و دیگران آسیب می زنند، عموماً علت هایی در گذشته شان وجود دارد. علاوه بر این باید بررسی کرد این افراد در چه فضایی زندگی می کنند؟ چه میزان سختی را متحمل می شوند؟ تبعیض های اجتماعی، فواصل طبقاتی که امروزه در جامعه بیداد می کند تا چه اندازه روی آن های تاثیر دارد؟ یا فرد چقدر توانسته در دستیابی به آمال شخصی اش مانند تحصیل موفق باشد؟ چقدر با امیال و آرزوهای همراه شده یا چقدر ناکامی تجربه کرده است؟ همچنین این مهم است که مشخص شود، فرد خشن در چه سطحی از شادی و نشاط زندگی کرده یا می کند. وی در پاسخ به این سوال که آیا آمار مشخصی از اینکه چند درصد از ایرانیان درگیر خشونت هستند، وجود دارد؟ گفت: آمار دقیقی از میزان خشم در کشور وجود ندارد، اما می توان با توجه به برخی معضلات اجتماعی به وجود میزان خشم تقریباً بالا در جامعه پی برد. بخشی از خشونت مربوط به افسردگی است. آمار افسردگی که در کشورهای دنیا برآورد شده نشان می دهد، ایران جزو کشورهای سطح اول است، یعنی جزو ده کشور اول دنیا به لحاظ میزان افسردگی محسوب می شود و این در حالی است که یکی از عوامل بروز خشم هم افسردگی است. آمارهای دقیقی در این زمینه وجود ندارد، زیرا ما اصولاً در مقابل آمار، بررسی و مطالعات این حوزه خیلی مقاوم هستیم. در بحث طلاق، قتل، نزاع های دسته جمعی و افرادی که دچار اعتیاد می شوند و مسیرهای نا به هنجار را پیش می گیرند رد پای خشم دیده می شود. سایه خشونت بر همه زوایای زندگی ما قابل لمس است، اما آمار دقیقی وجود ندارد. محمدی با بیان اینکه ایران جامعه خشنی نیست، عنوان کرد: به جرات می توان گفت که ما جامعه خشنی نیستیم، زیرا یک سری پارامترها و اهرم های خود کنترلی در جامعه ما هست که ریشه در اعتقادات و مسائل مذهبی مردم دارد و به نوعی کنترل های درونی جامعه ما محسوب می شوند. ضمن اینکه در ذات ایرانیان صبر و شکیبایی اهرمی

بسیار قوی برای کنترل خشم بوده و هست. این عوامل باعث شده ما جامعه مان را از حرکت بسوی یک جامعه خشن حفظ کنیم، اما میزان خشنونت مان بالا است و این غیرقابل اجتناب است. از طرفی نباید از این مساله هم غافل شویم که نسل جدید ما با ارزش‌هایی زندگی می‌کند که از ارزشهای سنتی جامعه بسیار فاصله دارد و همین امر انطباق و پذیرش این نسل را با شرایط موجود با چالش مواجه کرده، اما با این وجود همچنان یک شاکله زنجیر وار از بزرگان و دو نسل قبلی ما وجود دارند که با برخورداری از عقاید مذهبی و نگاه دینی که به شرایط زندگی دارند، نقش کنترلگر را برای نسل های بعدی ایفا می‌کند.

مشاور رئیس سازمان بهزیستی کشور در خصوص میزان خشنونت در مناطق مختلف ایران گفت: پیش‌تر درباره میزان خشنونت در مناطق گرمسیر، سردسیر یا معتدل مطالعاتی انجام شد که میزان خشم را برحسب شرایط اقلیمی و اجتماعی هر منطقه طبقه بندی و به نوعی برچسب گذاری می‌کرد، اما امروز در عمده شهرها و مناطق ایران بحث خشنونت وجود دارد به استثنا شهرها و استان‌هایی همچون یزد که به لحاظ بافت اجتماعی شان همچنان فرهنگ مذهبی و سنتی خود را حفظ کرده و زندگی مدرن شهری روی آن‌ها چندان تاثیری نگذاشته است. آمارها نشان می‌دهد که در استان یزد هم آمار خشنونت بسیار پایین است هم آمار آسیب‌هایی مانند طلاق و این امر نشان می‌دهد ما عمده آسیب‌هایی که دریافت کرده‌ایم و یا به آن مبتلا شده ایم به خاطر شرایط در حال گذار است. محمدی نقش آموزش و پرورش در کنترل خشم را بسیار مهم قلمداد کرد و اظهار داشت: ما به عنوان جامعه‌ای در حال گذار از مرحله سنتی به صنعتی یا مدرنیته بخشی از آسیب‌ها را در همین مرحله گذار دریافت کرده‌ایم و یکی از عوامل تسلیم شدن ما در برابر عوارش ناشی از گذار، شرایط حاکم بر فضای آموزشی ماست که در سرتاسر جغرافیای جامعه ما به طور یکسان جاری است. متأسفانه نظام تعلیم و تربیت مورد تأکید آموزش و پرورش ما بسیار ناکارآمد است و نمی‌تواند نسل توانمندی در زمینه مقابله و مواجهه با بحران‌ها تربیت کند. رویکرد عمده آموزش و پرورش در جامعه ما صرفاً ایجاد رقابت و سوق دادن تمرکز دانش آموزان بر درس خواندن صرف است که همین مساله موجب بروز استرس و تامين بخشی از عوامل زمینه‌ای بروز خشم در دانش آموزان می‌شود. در کل کارآمدی و رویکردی که انتظار می‌رود؛ دانش آموزان ماهر و قوی را پرورش دهد، از آموزش و پرورش ما بر نمی‌آید. رئیس انجمن آسیب‌شناسی اجتماعی کشور گفت: خشنونت همیشه فیزیکی نیست و انواع مختلف دارد. ما خشنونت‌های خانوادگی را داریم که خشنونت‌های فیزیکی تا کلامی، عاطفی و... را شامل می‌شود. با این وجود مواردی همچون غفلت امروز خانواده‌ها از فرزندان و همچنین نگاه نامهربان و ابزاری بخش‌های قابل توجهی از جامعه نسبت به زنان نیز در نوع خود از مصادیق خشنونت محسوب می‌شوند. او افزود: زندگی شهری عمدتاً دوندگی، خستگی و ناکامی برای والدین و تنهایی و افسردگی را برای فرزندان در پی دارد، در حالی که زندگی سنتی ما در گذشته نه چندان دور هرگز چنین نبود و خانواده‌ها در آرامش و تعامل موثر و لحظات بیشتری را در کنار یکدیگر سپری می‌کردند. با ورود جامعه ما به دروازه های مدرنیته، زندگی شهری و شرایط امروزی نشان می‌دهند افراد نشاط لازم برای تخلیه هیجانات و فشارهای روزمره را در اختیار ندارند به همین جهت سلامت روان‌شان همواره در معرض خطر آسیب‌های جدی است و خیلی زود برخی از آنها دچار آسیب‌ها و روابط ناسالم می‌شوند. محمدی در پاسخ به این سوال که خشم در چه طبقه‌ای از جامعه وجود دارد، گفت: در همه طبقات این خشنونت جاری است، اما در طبقات پایین‌تر نمود بیشتری دارد چون فرصت‌ها برای رفع خشنونت‌ها کمتر اتفاق می‌افتد. طبقات مرفه هم با خشنونت عین هستند، ولی تنها تفاوتش این است که آن‌ها با شرایط رفاهی که در اختیار دارند خیلی زود ممکن است از بحران‌ها عبور کنند یا شرایط جدیدی را رقم بزنند اما در طبقات پایین‌تر به دلیل شرایط نامناسب‌تر این امکان کمتر وجود دارد. رئیس انجمن آسیب‌شناسی اجتماعی کشور با ارائه راه‌حلهایی برای کاهش خشم در ایران گفت: برای کنترل خشنونت باید مسائل را به صورت ریشه‌ای ببینیم و یک برنامه‌ریزی بلند مدت داشته باشیم. تمرکز اصلی ما باید روی مهدکودک‌ها و مدارس پایه باشد و هدف اصلی باید تربیت یک جامعه ماهر باشد، زیرا افراد ماهر ارتباطات ناسالم برقرار نمی‌کنند و در چالش‌ها و بحران‌ها کم نمی‌آورند. همچنین بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها باید در خانواده و جامعه به حداقل برسد. او افزود: دولت می‌تواند به عنوان یک عامل تاثیرگذار در کاهش خشم عمل کند، اما بخشی از آن نیاز به یک همت همگانی دارد، رسانه ملی به عنوان بخشی از ابزار حاکمیت لازم است تا با ایجاد تحول در تولید و پخش فیلم‌ها و سریال‌های خود و آرایه آموزش‌های اجتماعی و مهارتی، روح نشاط و سرزندگی را به مردم هدیه دهد. تربیون‌ها و مراجع مذهبی، علمی و دانشگاهی در ترویج نشاط و ایجاد انگیزه و امید در جامعه وارد میدان شوند. خیلی موثر است که آحاد جامعه و شهروندان نیز بازگشتی هدفمند به سمت ارزش‌ها و سنت‌های پذیرفته شده جامعه داشته باشند و با احیای ارزشهایی مثل صله رحم و ایجاد شبکه‌های اجتماعی واقعی همچون دوستی‌ها، روابط فامیلی و همسایگی بجای شبکه‌های مجازی که صرفاً تنهایی را بدنبال دارد، بخش مهمی از روابط ناسالم و افسرده کننده را مرتفع کنند. علاوه بر این نیاز است که عدالت اجتماعی در معنای واقعی آن توسعه پیدا کند که این وظیفه برگردن دولت است. ریشه کن کردن فقر و بیکاری و کاهش آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق و اعتیاد قطعاً می‌تواند به کاهش خشم کمک شایانی کند. محمدی خاطرنشان کرد: نگاه‌های افراطی در حوزه‌های اجتماعی همیشه نتیجه عکس می‌دهد. این تصور که برخی فکر می‌کنند با ایجاد محدودیت در حوزه های فرهنگی و اعتقادی افراد دیندارتر می‌شوند، اشتباه است. اگر بنا به تقویت اصول تربیتی باشد باید بپذیریم که جامعه ما با چالش‌ها و بحران‌های جدی در چهار دهه اخیر مواجه بوده و با آسیب‌های جدی به لحاظ روحی و روانی دست و پنجه نرم کرده است و حالا زمان آن رسیده که فضاهای نشاط انگیزی برای مردم ایجاد شود. با بستن کافی شاپ‌ها و لغو کردن کنسرت‌ها و... نمی‌توان ادعا کرد که به جامعه ارزش تزریق می‌کنیم. آن چیزهایی که نشاط جامعه را تقویت می‌کند مثل کنسرت یا تماشای فوتبال در کافی شاپ‌ها را باید مدیریت کرد به صورتی که آسیب‌های آن به حداقل برسد نه اینکه به کلی صورت مساله را پاک کرد، چون در این صورت بروز آسیب‌های پنهان و جدید و عواقب آن بسیار شدیدتر و وخیم‌تر خواهد بود. منبع/ جی پلاس

برچسب ها: [آسیب‌های اجتماعی](#) [1]